

فرخنده باد شصت و یکمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران!

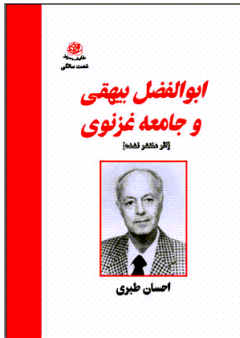
اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت شصت و

یکمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران

شصت و یک سال پیش، حزب توده ایران در شرایطی پا به عرصه مبارزه نهاد که جامعه ما و جهان دستخوش تحولات مهمی بودند. سقوط دیکتاتوری و آزادی ده ها زندانی سیاسی پیشرو و آزاداندیش، که حزب توده ایران را پایه گذاری کردند، در کنار تحولات مهم جهانی، از جمله نبرد مرگ و زندگی بین فاشیسم از طرفی و نیروهای سوسیالیستی و دموکراتیک از طرف دیگر ادامه داشت، در چنین

ادامه در صفحه ۴

به مناسبت شصت سالگی حزب توده ایران منتشر شد



منتشر شده است:
ابوالفضل بیهقی و
جامعه غزنوی اثر منتشر
نشده ای از احسان
طبری

انتشارات حزب توده
ایران بی نهایت
خرسند است که این
کتاب تحقیقی با
ارزش را به مناسبت
خجسته سالگرد بنیاد
گذاری حزب توده

ایران و هشتاد و پنجمین سالروز تولد زنده یاد رفیق احسان طبری به خوانندگان این نوع آثار تقدیم می کند. ما هم چنین مطالعه این اثر را به همه علاقه مندان به تاریخ ایران به ویژه خوانندگان جوان و جویای حقیقت توصیه می کنیم.

عاشقان چون زندگی زاینده اند
عاشقان در عاشقان پاینده اند
عشق از جانسی به جانسی می رود
داستان از جاودانسی می رود
مردن عاشق نمی میراندش
در چراغی تازه می گیراندش
جاودان است آن نو دیرینه سال
چشمه در خورشید دارد این زلال
سرنوشت اوست این خودسوختن
شعله گردانیدن چراغ افروختن
۱۰۵ . سایه

هم میهنان عزیز!
با فرا رسیدن مهرماه ۱۳۸۱، شصت و یک سال از تأسیس حزب توده ایران می گذرد. حزب توده ایران نخستین سازمان سیاسی کشور ما، پس از سقوط دیکتاتوری رضا شاه بود که با هدف تحقق آرمان های توده های محروم کار و زحمت، با هدف اعتلای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران پا به عرصه حیات نهاد و توانست در مقاطع تاریخی گوناگون تاثیرات عمیقی بر روند تحولات میهن ما بر جای گذارد.



شماره ۶۴۴، دوره هشتم
سال نوزدهم، ۹ مهرماه ۱۳۸۱

بدهی ۸۰ میلیارد دلاری

هدف گروه «کارگزاران سازندگی» چیست؟!

روزنامه جمهوری اسلامی، که مدیر مسئول آن شخص ولی فقیه، علی خامنه ای است، مصاحبه یی اختصاصی را با معاون اجرایی پیشین رئیس جمهوری ترتیب داد، که طی آن محمد هاشمی با دفاع از کارنامه هاشمی رفسنجانی در دوران تصدی مقام ریاست جمهوری، مدعی شده است که، بدهی ها و تعهدات مالی ایران در زمان ریاست جمهوری محمد خاتمی بسیار بیشتر از دوران گذشته است و میزان آن را بالغ بر ۸۰ میلیارد دلار ذکر کرد.

محمد هاشمی، برادر رفسنجانی، یکی از اعضای موسس و موثر باند کارگزاران سازندگی به شمار می آید. وی در این مصاحبه اختصاصی در پاسخ به پرسشی مبنی بر اینکه، محمد خاتمی در آخرین مصاحبه مطبوعاتی خود گفته است که، دولت هاشمی رفسنجانی بدهی ارزی زیادی برای کشور به صورت وام به جای گذاشت که دولت او (خاتمی) آنها را پرداخت کرده، چه نظری دارید؟! در پاسخ از جمله خاطر نشان می سازد: "این بخش از گزارش ریاست محترم جمهوری صحیح است. اما ایشان در باب بدهی های کشور در دو دوره اول و دوم ریاست جمهوری خودشان همه مطلب را نگفته اند. شاید

مصلحت ندانستند که بگویند. به هر حال ۸ تا ۱۰ میلیارد دلار از وام های ارزی ارزان قیمت دوران آقای هاشمی (رفسنجانی) پرداخت شده است. اما متأسفانه تعهدات زیادی در قالب قراردادهای نفت و گاز و بعضی از قراردادهای دیگر به صورت بای بک یا پیش فروش محصولات، یوزانس، بیع متقابل و به صور مختلف برای کشور ایجاد شده. یکبار در کمیسیون اقتصاد کلان مجمع تشخیص مصلحت این موضوع مطرح شد، آن طور که دوستان محاسبه کردند؛ حدود ۸۰ میلیارد دلار در قالب این گونه قراردادهای در دوران ریاست جمهوری جناب آقای خاتمی برای کشور ایجاد تعهد شده است؛ البته موافقان در دفاع گفتند که، بانک مرکزی تعهد نکرده، بلکه شرکت نفت، شرکت گاز و سایر شرکتهای دولتی تعهد کرده اند."

وی سپس افزود: "می دانید قراردادهای بای بک بهره های بالایی دارد و به همین دلیل بعضی از صاحب نظران اقتصادی، این که دولت ارز اضافی را با بهره کم در صندوق ذخیره و در نزد بانک های خارجی بگذارد و در مقابل با بهره های بالا زیر بار قراردادهای نفت و گاز و سایر موارد غیر

ادامه در صفحه ۶

حمایت جهانی از ابتکار صلح جویانه حزب توده ایران
بیانیه مشترك احزاب کمونیست جهان در مخالفت با جنگ و ترور! در ص ۷

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

مرکز نگهداری از کودکان فراری

هفته گذشته خبر تعطیلی مرکز نگهداری کودکان فراری در تهران که عمدتاً وظیفه حمایت از دختران فراری را به عهده داشت، به دلیل کمبود بودجه، انعکاس‌های وسیعی را در پی آورد. سایت "ما زنان" که اخیراً راه اندازی گردیده و از مجریان و دست‌اندرکاران آن تاکنون اطلاعی در نیست، در گزارشی در این رابطه نوشت: "تنها مرکز نگهداری از دختران خیابانی تهران تعطیل شد. چند ماه پس از اینکه محمد علی زم، از حوزه هنری به سازمان فرهنگی اجتماعی شهرداری تهران آمد، توانست بست معاونت اجتماعی شهرداری را هم از مهدی ارگانی بگیرد. در زمان ارگانی چندین نهاد حمایتی با کمک بهزیستی و ارگان‌های دیگر برای کودکان خیابانی و دختران و پسران فراری درست شده بود اما زم، با این استدلال که رسیدگی به آسیب‌های اجتماعی در حوزه وظایف شهرداری نیست و نگهداری بچه‌های یاد شده هزینه زیادی طلب می‌کند، یکی پس از دیگری، اقدام به بستن مراکز نگهداری کودکان خیابانی کرد. پس از انتشار خبر تعطیلی "خانه سبز" که مخصوص پسران بود، اخیراً خانه "ریحانه" که در آن عمدتاً از دختران فراری نگهداری می‌شد، بسته شده است. شنیده شده است مسئولان شهرداری در توجیه عمل خود گفته‌اند نگهداری از هر دختر، ماهانه ۴۰۰ هزار تومان هزینه داشته است. "بر اساس دیگر گزارشات ارسالی شهرداری تهران در توجیه این اقدام، گفته است که، تشکیل مراکزی از این قبیل در حیطه مسئولیت‌های شهرداری نیست و در واقع، در ایران، تنها شهرداری بوده که به ایجاد چنین مراکزی مبادرت کرده است. محمد علی زم، سرپرست حوزه معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران در این ارتباط اظهار داشت: "سازمان‌های متولی اداره امور این کودکان، همچون سازمان بهزیستی، ورود شهرداری تهران به این عرصه را مداخله در وظایف خود تلقی کرده‌اند. بنابراین به منظور جلوگیری از تداخل وظایف،

معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، امور خانه سبز و خانه ریحانه که زیر نظر شهرداری تهران اداره می‌شد را به موسسات مربوط واگذار کرده است. (ایسنا ۵ مهرماه) در خبر دیگری که ایسنا ۳ مهر آن را ارسال کرده است، دبیرخانه شورای اجتماعی کشور، اقدام شهرداری تهران نسبت به واگذاری مراکز سازمان دهی کودکان خیابانی به تشکل‌های غیر دولتی را بدون اطلاع و تصویب شورای اجتماعی کشور، خلاف مصوبه این شورا دانست.

پدیده کودکان خیابانی در میهن ما چندین سال است که مورد بحث و بررسی گسترده قرار گرفته است. این پدیده در ایران با ابعاد فاجعه آمیز کنونی ضمن اینکه در طول چندین دهه گذشته میهنمان بی سابقه بوده است، بدون شك ماحصل سیاست‌های ضد انسانی رژیم است که بیش از دو دهه بر ابریکه قدرت تکیه زده و چنین معضلات اجتماعی را نصیب زحمتکش‌ترین افراد جامعه کرده است. اقدام به تعطیلی مراکزی که وظیفه نگهداری از کودکان فراری و خیابانی را داشته است، با اینکه در برگیرنده تمامی افراد فوق نبوده است و بر طبق آمار ضد و نقیضی که تاکنون منتشر گردیده،

رقم بسیار بالایی را شامل می‌شود، معهذاً همین امر بی مسئولیتی و بی توجهی ارگان‌هایی را نشان می‌دهد که در این راه وظایفی را به عهده دارند. ایسنا، ۲۸ مرداد سال جاری با انتشار یک پایان نامه دانشجویی، نوشت: "روزانه ۴۹ مورد فرار از منزل به مرکز سازمان دهی کودکان و

"۵۰ درصد طبقه متوسط ایران به طبقه فقیر ایران منتقل شده است"

در طی سال‌های اخیر، جهت‌گیری‌های اقتصادی دولت جمهوری اسلامی، بخصوص از مقطعی که این سیاست‌ها هماهنگ با صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی به اجرا درآمده و هم‌اکنون نیز ادامه دارد، مطالب‌گوناگون و مباحث فراوانی در این باره مطرح گردیده که بیشترین حجم مطالب معطوف به بحث عدالت اجتماعی، ناشی از آثار و تبعات زیان‌بار این برنامه‌های اقتصادی بوده است. اخیراً ایسنا، خبرگزاری دانشجویان ایران، اقدام به درج گزارشاتی کرده که تغییر و تحولاتی خطرناک و جبران‌ناپذیر را در رابطه با لایه بندی‌های طبقاتی شامل می‌شود که نشان از عمق فاجعه‌ای دارد که ماحصل سیاست‌های اقتصادی و ساختار فاسد سیاسی ایران را دارد. دکتر محمد حسین ادیب، عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه اصفهان، در گفت‌وگویی که با ایسنا، ۲۵ شهریور، انجام داده در اشاره به این مهم می‌گوید: "ثبات سیاسی هر کشور منوط به فرجه بودن طبقه متوسط است و اگر جامعه‌ای دو قطبی شود، یا طبقه متوسط آن وضع نحیفی در هرم اجتماعی آن پیدا کند، جامعه بسرعت به سمت بی‌ثباتی حرکت می‌کند. این طبقه در حال نحیف شدن است و خود را به صورت ریزش افراد از طبقه متوسط جامعه به طبقه فقیر نشان می‌دهد که آثار اجتماعی و اقتصادی میان مدت و بلندمدتی در پی خواهد داشت. به نظر می‌رسد در پنج سال گذشته حدود ۵۰ درصد طبقه متوسط ایران به طبقه فقیر ایران منتقل شده است. این ریزش به معنای تغییر پایگاه‌های اجتماعی نظام است که پیامدهای خاص خود را دارد. این طبقه اقتصادی و اجتماعی جامعه در پنج سال اخیر به دنبال کاهش درآمدهای نفتی و جایگزین نشدن منابع دیگر متناسب با این کاهش، فرآیندی رو به افول را طی کرده است. دکتر اسفندیار نوایی، استاد اقتصاد و جامعه‌شناسی نیز باز در همین ارتباط در گفت‌وگو با ایسنا، ۳۱ شهریور، گفت: "بعد از دهه ۴۰، سه طبقه سرمایه داران صاحب ابزار و کارخانه که مشارکتی در تولید ندارند، طبقه متوسط اجتماعی که هم صاحب ابزارند و هم در فعالیت‌های اقتصادی مشارکت دارند و طبقه سوم که مزد بگیرند و جزو طبقات پایین هستند و در تولید مشارکت دارند، اما دارنده ابزار نیستند، در ایران شکل گرفت. با تغییرات به وجود آمده بعد از انقلاب اسلامی در شرایط اقتصادی نابسامان کشور، بخش اعظمی از طبقه میانه به طبقات مزد بگیر تبدیل شده‌اند. وی با اشاره به اینکه بخش عمده‌ای از تصمیم‌های اقتصادی در پیش گرفته شده در سال‌های اخیر معطوف به تقویت بخش سرمایه داران دلال و بازرگان بوده است، گفت: "طبقه متوسط اقتصادی ایران به دنبال تحولات سال‌های اخیر به طبقات بالا و پایین منتقل شده و در حال از دست دادن تدریجی اقتدار اجتماعی خود است." دکتر نوایی با تأکید بر افزایش آشفتگی‌های اجتماعی در صورت تداوم روند کنونی کاهش حجم طبقه متوسط، تصریح کرد: "تورم، گرانی و سودبری بخش کمی از طبقات جامعه، و زیان دهی بخش اعظمی از آن، تبعات اخلاقی و اجتماعی خاص خود را به دنبال خواهد داشت. سخنان مزبور به هر دلیل که بیان گردیده باشد، به هیچ وجه واقعیت‌های موجودی را که در بالا به آن اشاره رفته است، کتمان نمی‌کند. منتها نکته‌ای که باید در اینجا به آن اشاره شود روندهای خطرناک موجود نه ماحصل سیاست‌های اقتصادی پنج سال اخیر، بلکه مربوط به دوران ۸ سال حکومت و ریاست هاشمی رفسنجانی هم می‌گردیده است و سیاست‌های اخیر در پنج سال گذشته مکمل و ادامه همان سیاست‌های قبلی است که توافق بر سر آن مورد قبول تمامی جناح‌های حکومتی قرار گرفته است. وضعیت بغرنج و خطرناک کنونی علاوه بر اینکه ماحصل سیاست‌های ضد مردمی اقتصادی است، رابطه مستقیم با ساختار سیاسی ایران نیز دارد. سواً تمامی این مباحث تحولات اخیر در رابطه با لایه بندی جدید بخصوص در رابطه با طبقه متوسط که، از دید منافع ملی در کوتاه و درازمدت، تأثیرات بسیار مهم را در پی خواهد داشت، مسأله‌ای نیست که با بی‌تفاوتی رو به رو شود. ریزش میلیون‌ها نفر از هم میهنان که حتی در وضعیتی که به آنها طبقه متوسط گفته می‌شود، دارای مشکلات و مصایب گوناگون هستند، پروسه بسیار خطرناکی را در پیش رو می‌گذارد که جبران آن در کوتاه مدت بسیار سنگین خواهد بود. نکته دیگری که در اینجا باید به آن اشاره شود این است که، اگر اظهارات فوق را در مورد طبقه متوسط جامعه ملاک قرار دهیم، این سؤال پیش می‌آید که بر سر طبقات فقیر جامعه چه بلایی آمده است. ذوب شدگان در ولایت در طول چند سال گذشته با این ادعا که توسعه اقتصادی مقدم بر توسعه سیاسی است با اقدامات عمده و ایذایی در بسیاری از موارد، پروسه گسترش فقر و فلاکت را در جهت اهداف شوم ضد مردمی خویش همگام با سیاست‌های خانمان برانداز اقتصادی مورد توافق جناح‌ها به مرحله آزمایش گذاشته‌اند.

«الگوی اسلامی» بیمارستان

روزنامه "اطلاعات بین المللی"، ۴ مهر ماه، در خبری نوشت: "بیمارستان بهشتی مجهزترین بیمارستانی که با هزینه های میلیاردی قرار بود بدون بهره گیری از پزشکان مرد، الگوی اسلامی برای کشورهای مسلمان شود، ورشکست شد، وسایل و تکنولوژی گران بهای آن که از کشورهای اروپایی خریداری شده بود به بهای نازل فروخته شد تا فقط بتواند دستمزد کارکنان خود را بپردازد. از ساختمان عظیمی که با همیاری مسئولان روحانی و صرف میلیاردها تومان تلاش داشت نمونه مثال زدنی باشد، فقط اسکلتی مانده که قرار است به هتل تبدیل شود". همین روزنامه در ادامه سخنان اسماعیلی مقدم، نماینده قم را، از "صدای عدالت" نقل کرده که می گوید: "به دلیل تصویب طرح انطباق که در مجلس پنجم انجام گرفت، دانشکده فاطمیه قم ساخته شد. چون در طی این طرح بیماران زن باید تحت درمان پزشکان خانم قرار می گرفتند. با توجه به استانی شدن قم، امتیاز این دانشکده گرفته نشد و در واقع حق عمومی مردم قم را گرفتند و این دانشکده را آماده ساختند. چون هر دانشکده پزشکی باید دارای یک بیمارستان نیز باشد، بیمارستان شهید بهشتی با نرخ بسیار اندک از بنیاد شهید خریداری شد و این بیمارستان به دانشکده فاطمیه منتقل گردید. پس از انتقال به دلیل اینکه در این بیمارستان فقط می باید از کارکنان و پزشکان زن بهره می برد، به تدریج تعطیل شد. دانشکده فاطمیه نیز از سال پنجم قادر به دادن امکانات به دانشجویان نبود و نتوانست کارآیی خود را حفظ کند. این دانشکده فقط دانشجویان دختر را در رشته های پزشکی پذیرفت. تجهیزات و ابزار را به تدریج از بیمارستان خارج کرده و فروخته اند."

در طول سالیان گذشته موارد بسیاری بوده است که نشان دهنده مخالفت علنی مرتجعان حاکم بر ضد زنان میهنمان بوده است، اما مورد ذکر شده در بالا جنبه های دیگر مسأله را شامل می گردد. مرتجعان با یک برنامه ریزی حساب شده با اختصاص میلیاردها تومان که قاعدتا حاصل چپاول گری های بیش از دو دهه حکومت سیاه است، قصد داشتند از طریق این ریخت و پاش حساب شده، برنامه های درازمدت خویش را پیاده کنند. در حالی که بسیاری از نقاط محروم میهن از داشتن ابتدایی ترین امکانات درمانی محروم اند، خاصه خرجی های میلیاردی چیزی جز یک تبلیغ گمراه کننده برای برنامه های جداسازی جنسی نمی توانسته باشد. حساب مرتجعان حاکم علاوه بر اینکه به دلیل کمبود کادر مجرب پزشکی درست از آب درنیامد، سلسله اعتراض های دانشجویی را نیز به دنبال داشت که بازتاب وسیع در مطبوعات داخلی یافت. بعد از چندین سال پر تب و تاب در مورد تعیین تکلیف این دانشکده و بیمارستان، گردانندگان این پروژه که هدف های خود را دست نیافتنی دیده اند، چوب حراج را به قیمت نابودی یک بیمارستان و دانشکده بی که وظیفه تربیت کادر مجرب را برای نسل های حاضر و آتی داشته است زدند و لطمات زیادی را تحمیل کرده اند. خلاصه کلام مرتجعان حاکم در پس این پروژه این بوده است که در صورت تمکین به آموزه ها و روش های قرون وسطایی آنها، زنان از پیشرفته ترین امکانات برخوردار می شوند. حتی اگر دانشجویان وابسته به این بیمارستان هم زیر بار این ذلت می رفتند، با توجه به واقعیت های موجود در میهنمان که کمبود کادر ورزیده یکی از آنها بوده است، امکان موفقیت چنین نقشه بی برای تاریخ اندیشان حاکم بسیار ناچیز بود. در حالی که مردم آزاده میهنمان با صدای بلند، به چنین رفتارهای تبعیض آمیز و قرون وسطایی پاسخ منفی دادند، مسئولان مرتجع بار دیگر نشان دادند که به جای عبرت آموزی از مخالفت های گسترده، دشمنی و عناد خویش را با هر آنچه که بوی آزادی و رهایی از قید و بندهای ضد انسانی دارد، بیش از پیش آشکار می سازند.

ادامه مرکز نگهداری از کودکان . . .

نوجوانان فراری تهران گزارش می شود. فرار از منزل رفتاری است که برخی نوجوانان در شرایط بحرانی و موقعیت های رنج آور و غیر قابل تحمل به آن مبادرت می ورزند. بر پایه این تحقیق، در سال ۷۹، نزدیک به ۹۶۳ دختر در شهر تهران فرار کردند که این آمار در سال ۸۰ شامل فرار ۲ هزار و ۶۰۰ دختر و پسر می شود. در همایشی که به همین مناسبت در خرداد ماه سال جاری انجام گرفت، سخنرانان در رابطه با این پدیده، به نکات قابل توجهی اشاره داشتند. دکتر صمدی با اشاره به اینکه فرار از منزل، یک اپیدمی در جامعه شده است، گفت: "در جامعه ایرانی زندگی دختر در خارج از حوزه خانواده یک هنجار شکنی است که با حیثیت فردی، خانوادگی و اجتماعی منافات پیدا می کند، این معضل از قدیم وجود داشته است و اکنون روند رو به رشد پیدا کرده و یک مسئله و آسیب اجتماعی شده است. برای دستیابی به راهکارها باید دلایل، زمینه ها و ریشه ها شناخته شود." (ایسنا، ۱۵ خرداد) صمدی راد همچنین پخش مواد مخدر توسط دختران،

ایجاد شبکه های فساد و فحشا، افزایش ارتباط های جنسی، استفاده از اندام های کودکان و دختران جهت جراحی و تجارت را به عنوان پیامدهای پدیده فرار دختران از منزل و کودکان خیابانی برشمرد. حتی اشرف پروجردی، معاون وزیر کشور در این همایش با این اعتراف که اختلاف نگاه به مسایل اجتماعی در بین نهادهای رسمی و غیر رسمی جامعه کاملا مشهود است، گفت: "تشکیل شورای اجتماعی کشور می تواند حلقه اتصال بین این نهادها و یک حرکت معقول برای ایجاد وحدت رویه و ساماندهی آسیب های اجتماعی در جامعه باشد." (ایسنا، ۱۵ خرداد)

چند ماه پس از این همایش و سخنان یکی از مسئولین دولتی، نه تنها شاهد راه حل های واقع بینانه در این زمینه ها نیستیم، بلکه اندک امیدهایی که التیام بخش کوچکی از دردها و رنج های اقشار آسیب پذیر جامعه بود، نیز محو گردید. به این ترتیب ما باید شاهد هر چه بیشتر تباه شدن این کودکان در دام هایی همچون اعتیاد و فحشا و غیره باشیم. کودکانی که حتی اعضای بدن آنها هم مورد سوء استفاده قرار می گیرد، یا باید به محیط هایی برگردند که شکنجه و آزار روزانه جزئی از زندگی عادی آنها می باشد و یا اینکه طعمه باندهای فساد، فحشا و جنایت بشوند. آن چیزی که سوای یکی دو اطلاعیه توخالی از طرف دیگر ارگان های دولتی منتشر گردید، این است که به نظر نمی رسد دولت و یا ارگان های درگیر این مساله، نقش و مسئولیتی را در آینده از این بابت تقبل کنند.

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

ادامه اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران . . .

شرایطی حزب توده ایران به مثابه یک ضرورت تاریخی، در جامعه بی در حال گذار به سرمایه داری، به عنوان حزب کارگران، زحمت کشان، زنان و جوانان مترقی و پیشرو پرچم مبارزه در راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی به اهتزاز درآورد و تا به امروز بیش از شش دهه در راه تحقق این آرمان های والا از پاننشسته است. در این شش دهه احزاب شاه ساخته و ارتجاع و امپریالیسم پرداخته بسیار بودند که به صحنه سیاسی میهن ما آورده شدند و کارزاری از دروغ و افترا و عوام فریبی بر ضد حزب توده ایران سازمان دهی کردند ولی حزب توده ایران همچنان استوار و پایدار در راه تحقق حقوق طبقه کارگر و زحمتکشان می رزمند. راز ماندگاری حزب توده ایران ریشه داشتن آن در بین نیروهای اجتماعی پیشرو و خصوصاً پیوند ارگانیک و گسست ناپذیر آن با طبقه کارگر و زحمتکشان میهن ماست. کودتای ۲۸ مرداد با هدف نابودی جنبش ملی و از بین بردن حزب توده ایران به عنوان گردان سازمان یافته و رزمنده این جنبش، سازمان دهی شد، و با وجود سرکوب خشن و خونین حزب نتوانست آرزوی رژیم وابسته و کودتاگران سیا در زمینه نابودی حزب توده ایران را تحقق بخشد. بیش از چهار دهه پس از این تلاش و بررغم حملات قطع ناشدنی تبلیغاتی، مزدوران رژیم تاریک اندیش رژیم ولایت فقیه با هدف نابودی حزب توده ایران، یکی از وسیع ترین یورش های امنیتی - سرکوبگرانه را بر ضد حزب ما سازمان دهی کردند. در این یورش وسیع، به اعتراف ری شهری، جلاذ رژیم، بیش از ده هزار نفر توده ای دستگیر و روانه شکنجه گاه های رژیم شدند تا تاریک اندیشان حاکم بتوانند فارغ از نگرانی مقاومت حزب کارگران و زحمتکشان، ایران را به سمت ادامه یک جنگ مخرب و خانمان برانداز و استقرار کامل یک دیکتاتوری افسار گسیخته و قرون وسطایی ببرند. نخست وزیر وقت رژیم خمینی حمله به حزب توده ایران را مهمتر از پیروزی در جبهه های جنگ ارزیابی کرد و خمینی از «سربازان گمنام امام زمان» که همان مزدوران دستگاه های جاسوسی و امنیتی بیگانه بودند به دلیل کمک های «غیبی» شان تشکر کرد و همه دولتمردان آن روز کشور را به حمایت از این یورش فرا خواند. ولی رژیم استبدادی همچون سلف شاهنشاهی خود، خیلی زود دریافت که با همه فشارها، دستگیری ها، کارزار وسیع تبلیغاتی و سازمان دهی شوهای تلویزیونی قربانیان شکنجه و بررغم اعدام و وحشیانه افسران دلاور توده ای و سپس کشتار صدها توده ای مبارز و اندیشمندان در جریان فاجعه ملی، حزب توده ایران را نمی توان از جامعه ما «ریشه کن» کرد.

هم میهنان گرامی

کشور ما گرفتار اوضاع به شدت بحرانی و خطرناک است. از یک سو ادامه حاکمیت خشن استبداد و بی توجهی به خواست مردم در حرکت به سمت استقرار آزادی و عدالت اجتماعی میهن ما هر روز بیش از روز پیش به سمت یک انفجار عظیم اجتماعی رانده می شود. از سوی دیگر در اطراف ایران خطر جنگ و برخوردهای نظامی در حال اوج گیری است که میهن ما را نیز تهدید می کند. پنج سال پس از رفراندوم تاریخی دوم خرداد ۱۳۷۶ که بررغم تلاش های وسیع ارتجاع، بیش از ۲۲ میلیون ایرانی رای منفی خود را نسبت به ادامه شیوه حکومت داری استبداد به صندوق های رای ریختند، هنوز هیچ یک از خواست های اساسی جنبش در زمینه استقرار حکومت متکی بر آرای مردم تحقق نیافته است. امروز با توجه به تجربیات جنبش مردمی، روشن است که علت اساسی تحقق نیافتن این خواست ها موجودیت و عملکرد مخرب و قرون وسطایی رژیم ولایت فقیه و نهادهای انتصابی وابسته به آن بر همه امور کشور است. حاکمیت نهادهای ارتجاعی و ضد مردمی بی همچون شورای نگهبان، قوه قضائیه و مجمع تشخیص مصلحت در کنار ده ها ارگان سرکوبگر نظامی و نیمه نظامی، که مستقیماً زیر نظر ولی فقیه اداره می شوند، در پنج سال گذشته سد

اساسی در راه هر گونه تحولی، هر چند ناچیز، در راه تحقق خواست های مردم بوده است. امروز مرتجعان حاکم مترصدند تا با بهره برداری از وضعیت بحرانی جهان و عمده کردن خطر خارجی، روند اصلاحات در میهن ما را به عنوان یک توطئه خارجی به تمام و کمال به توب ببندند و مدافعان اصلاحات را یا به سکوت و کرنش وادار کنند و یا به عنوان «یادای استکبار» راهی شکنجه گاه ها و زندان نمایند. بحث بر سر شکستن بن بست کنونی و راه گشایی به سمت ادامه و بسط روند اصلاحات اکنون مدتهاست که به بحث اساسی نیروهای سیاسی و اجتماعی کشور تبدیل شده است. حرکت به سمت تغییر در اختیارات رئیس جمهوری و افزایش آن، از جمله راه کارهایی است که توسط شماری از نیروهای مدافع اصلاحات در دستور کار روز مقابل با حملات تاریک اندیشان حاکم قرار گرفته است. آنچه که از هم اکنون روشن است این واقعیت است که ولی فقیه و انصارش آماده نیستند تا اختیارات خود را به طور داوطلبانه در حیطه نظارت کس و یا نیروی دیگری قرار دهند. معضل اساسی بن بست سیاسی کشور نیز همین اختیارات نامحدود یک فرد بر فراز همه قوانین و نهادهای منتخب کشور است. بدون حل این معضل نمی توان انتظار داشت که بن بست کنونی شکسته شود. حرکت کنونی در صورتی که هدفش بسیج توده ها و خارج شدن از حصار «چارچوب های قانونی» و حرکت جامعه به سمت یک همه پرسی در زمینه ادامه حاکمیت استبداد باشد می تواند ثمراتی را برای جنبش به همراه داشته باشد. این امر نیز بدون دخالت دادن مستقیم توده ها و سازمان دهی آنها در راه تحقق این برنامه امکان پذیر نیست.

رفقا، هواداران و دوستان حزب!

حزب توده ای ما، در شرایطی به استقبال شصت و یکمین سالگرد تأسیس خود می رود که توانسته است با اتکا به کار و پیکار توده ای ها، در درون و خارج از کشور، دشواری های زیادی را از توطئه های رنگارنگ ارگان های امنیتی، حزب سازی، تاریخ نویسی گرفته تا تلاش در راه ایجاد انشقاق و انشعاب در صفوف حزب را پشت سر بگذارد و با موفقیت به تدارک پنجمین کنگره حزب بپردازد. این موفقیت مدیون تلاش پیگیر رفقای توده ای و انسجام تشکیلاتی حزب متکی بر دموکراسی و مرکزیت دموکراتیک است.

تاریخ معاصر کشور ما و تاریخ مبارزات رهایی بخش خلق های میهن ما، به طرز گسست ناپذیری با تاریخ و پیکار حزب توده ایران گره خورده است. توده ای ها با افتخار به تاریخ شصت و یک سال خود می نگرند. تاریخی که در سرتاسر آن از فداکاری های حماسی ده ها هزار زن و مرد آزاد اندیش که در راه رهایی میهن شان از چنگال استعمار و استثمار جان باختند تشکیل شده است. کمیته مرکزی حزب توده ایران، در آستانه شصت و یکمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران به خاطره تابناک و جاودان شهدای توده ای و همه شهدای راه آزادی درود می فرستد و اطمینان دارد که بذری که این قهرمانان راه آزادی در میهن ما فشانند به ثمر خواهد نشست و دور نیست روز رهایی میهن از چنگال استبداد و ارتجاع قرون وسطایی. توده ای ها دست در دست همه نیروهای مترقی و آزاد اندیش، در راه آزادی میهن، در کنار مردم ستم دیده میهن مان پیکار می کنند و بر تعهدات انسان دوستانه و میهن دوستانه خود استوار و پا بر جایند.

درود آتشین به خاطره تابناک شهدای توده ای و همه شهدای راه آزادی با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری، برای استقرار آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم استبدادی ولایت فقیه!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۸ مهرماه ۱۳۸۱

غرفه نامه مردم در فستیوال اومانیته فستیوال باشکوه همبستگی بین المللی زحمتکشان



فستیوال باشکوه "اومانیته"، روزنامه وابسته به حزب کمونیست فرانسه، امسال در روزهای ۲۳ تا ۲۴ شهریور ماه (۱۳ الی ۱۵ سپتامبر) در پارک وسیع "نمایشگاه های بورقه" در حومه پاریس برگزار شد. فستیوال اومانیته که بیش از ۷۰ سال قدمت دارد هر ساله به میعادگاه مبارزان جنبش کمونیستی اروپا برای تبادل نظر و بحث در مورد محوری ترین مسایل مورد توجه جنبش تبدیل می شود. هر

روز در طول مدت فستیوال صدها هزار تن از جوانان مبارز، ترقی خواهان و فعالین سندیکایی فرانسه در پارک نمایشگاه های بورقه به بحث و گفتگو در رابطه با عمده ترین مسایل جامعه بشری، جهانی شدن و مبارزه برضد نظامی شدن و جنگ مشغول بودند. حضور نمایندگان بیش از ۱۰۰ سازمان و حزب سیاسی از چهار گوشه جهان عنصر بین المللی این بحث ها را برجسته تر کرده بود. دهکده جهانی که محل غرفه های نشریات ارگان احزاب سیاسی چپ جهان بود، فضای بسیار صمیمی و مبارزه جویانه ای داشت. فعالیت سیاسی- فرهنگی و هنری در غرفه های رفقای فلسطینی، عرب، -کرد و ترک در مجاورت همدیگر و در فلب دهکده جهانی پیام مبارزه خلق های در بند و تحت ستم را به فستیوال آورده و شور و هوای غریبی را بر آن مسلط کرده بود. موضوع اصلی فستیوال امسال متاثر از تحولات منطقه و ادامه سرکوب خونین مردم فلسطین توسط دولت اسرائیل در رابطه با صلح در منطقه و همبستگی با خلق های خاورمیانه بود. در چادر بزرگی در قلب دهکده جهانی چندین میزگرد و بحث در رابطه با فلسطین و نیز جهانی شدن و نظامی گری ایالات متحده برگزار شد که صدها شرکت کننده فستیوال را برای ساعت ها به خود جلب کرد. حضور خانم لیلیا شهید، سفیر فلسطین در فرانسه، و رفیق ایسام مخول، نماینده پارلمان اسرائیل و از اعضای هیئت سیاسی حزب کمونیست اسرائیل و تعدادی از برجسته ترین شخصیت های سیاسی چپ فرانسه به این بحث ها اهمیت خاصی داده بود.

غرفه نامه مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران، که با تصاویر بزرگ دو شهید برجسته جنبش کمونیستی کارگری میهن مان خسرو روزه، قهرمان ملی ایران، و سیمین فردین، سمبل زنان مبارز ایران، و لوحه ای منقش به تصاویر و اسامی صدها تن از شهدای مبارزه خلق برضد دیکتاتوری حاکم بر میهن تزئین شده بود، مورد بازدید صدها تن از هم میهنان و هزاران بازدید کننده فرانسوی قرار گرفت. فعالیت متنوع رفقای مسئول غرفه نامه مردم که در مجاورت میز تزئین شده با نشریات کمونیستی- توده ای و از جمله آخرین کتب منتشر شده توسط انتشارات حزب توده ایران، جلد دوم کتاب شهیدان و انقلاب نیمه تمام، از بازدید کنندگان غرفه با غذا های محلی ایرانی پذیرایی می کردند، جمع کثیری را به غرفه نامه مردم جلب کرده بود. در ساعاتی از فستیوال در روزهای شنبه و یک شنبه صف طولانی ای از بازدید کنندگان در مقابل غرفه نامه مردم تشکیل شده بود. بحث و گفتگوی مسئولان غرفه با بازدید کنندگانی که خواهان اطلاع دقیق تر از تحلیل های حزب توده ایران از تحولات پیچیده میهن و منطقه بودند، نشان از نقش حزب مان در جنبش مبارزاتی زحمتکشان ایران دارد. مراجعه صدها ایرانی ساکن فرانسه که گرایش های سیاسی گوناگونی دارند، به غرفه نامه مردم در فستیوال اومانیته را باید مشخصه ویژه این فعالیت تبلیغاتی پر ثمر دانست. هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران در طول فستیوال ملاقات های دوجانبه سودمندی با هیئت های نمایندگی احزاب برادر از بسیاری کشورها و از جمله فرانسه، ایرلند، اسرائیل، فلسطین، مراکش، کاتالونیا، پرتغال، بحرین، آلمان و قبرس داشت که در طی آن روابط بین حزبی و تحولات کشور و منطقه مورد بحث و گفتگو قرار گرفتند.

هیئت نمایندگی حزب مان به دعوت رفقای فرانسوی در جلسه سخنرانی رفیق رابرت هیو، رهبر حزب کمونیست فرانسه و کاندیدای آن در انتخابات ریاست جمهوری و ضیافتی که با حضور ایشان و دیگر رهبران حزب برادر برگزار شد، شرکت نمود. در مذاکرات بسیار سودمند با مسئولان روابط بین المللی حزب کمونیست فرانسه در کنار بحث در مورد نتایج انتخابات اخیر فرانسه مساله تهدید آمریکا به حمله نظامی به عراق و تبعات آن به ویژه برای اوضاع سیاسی ایران مورد توجه قرار گرفت. رفقای فرانسوی نگرانی عمیق خود را در رابطه با موضع امپریالیسم ابراز کرده و لزوم سازمان دهی وسیع ترین جنبش مخالفت با جنگ را مورد تاکید قرار دادند. رفیق ژاک فانج، عضو برجسته کمیته مرکزی حزب برادر، در رابطه با گسترش تحرك نظامی آمریکا در منطقه و اهداف بعدی جنگ بر ضد تروریسم توضیحات بسیار مستدلی را ارائه داد.

ادامه بدهی ۸۰ میلیارد ...

سیاسی خودش را مدیون شخصیت اثر گذار رفسنجانی معرفی ساخته و تاکید می کند همیشه از او درس آموخته است. درست و دقیقاً به دنبال این مجموعه اقدامات است که، امروز شاهدیم محمد هاشمی به یکباره وارد گود شده و داد سخن از ۸۰ میلیارد دلار بدهی سر می دهد.

ذکر این نکته ضرور است که، محمد خاتمی با ادامه سیاست ضد ملی رفسنجانی و اجرای فرامین صندوق بین المللی پول و با اتخاذ سمت گیری اقتصادی- اجتماعی مخالف و مغایر با اهداف میلیونها تن از مردم محروم و زحمتکش، پیامدهای ناگواری در جامعه بر جای گذارده است. اما واقعیت اینست که این ناگواری ها ریشه در دوران رفسنجانی دارد و دولت هشت ساله او بود که بنیه تولیدی و توان مالی کشور را تخریب کرد و فجایع بی شمار اجتماعی و فرهنگی امروز جامعه را باید دستاورد هاشمی رفسنجانی این کارگزار ارتجاع به شمار آورد.

افشاگری کارگزاران و هیاهو در باره ۸۰ میلیارد دلار بدهی، به هیچ رو از سر خیرخواهی برای میهن ما نیست. این افشاگری نقابی دروغین بر چهره کسانی است که خود از طراحان ورشکستگی مالی و استقراض خارجی ایران بوده اند. مگر نه اینست که سکان هدایت امور اقتصادی از قبیل بانک مرکزی و وزارت نفت در چنگ افراد وابسته به کارگزاران و یا نزدیک به آنان است؟ نور بخش خود از موسسان گروه کارگزاران است و بیژن نامدار زنگنه از نزدیک ترین وزیران هیات دولت به رفسنجانی است. به علاوه، قراردادهای اسارت بار و ضد ملی از دوره رفسنجانی با شرکت های خارجی بسته شد. در آن زمان رفسنجانی قرارداد با توتال و امثال آن را پیروزی مهم در برابر استکبار آمریکا توصیف می کرد و به دلیل انعقاد همین نوع قراردادها لقب "سردار سازندگی" و "تاجی نظام" دریافت می کرد. چه روی داده است که امروز پیروی از همان سیاست، خطاست و بدهی ۸۰ میلیارد دلاری بیار می آورد؟ اگر قرار است کسی بر کرسی اتهام خیانت به مردم و منافع ملی بنشیند، رفسنجانی از شایسته ترین نامزدها است!

ادامه بدهی ۸۰ میلیارد دلاری ...

اقتصادی می دانند. ...

سخنان محمد هاشمی و اعلام اینکه مجموع تعهدات مالی ایران از زمان دوره اول ریاست جمهوری خاتمی تا اکنون ۸۰ میلیارد دلار است، از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی به نحوی غیر مستقیم تایید شد. گرچه این مرکز رسمی خاطر نشان ساخت که، بدهی ایران ۸۰ میلیارد دلار نیست. محسن نوربخش رئیس بانک مرکزی، که خود از اعضای اصلی کارگزاران و همکار محمد هاشمی محسوب می گردد، بسیار ظریف و حساب شده با این امر برخورد نموده و اعلام کرد: "... ایشان تعهدات مربوط به وزارت نفت را منظور کرده است. این تعهدات چه در دولت هاشمی رفسنجانی و چه در قانون بودجه، جزو تعهدات بانک مرکزی محسوب نمی گردد ... در حالی که منظور آقای محمد هاشمی، قراردادهای بیع متقابل و طرح های مربوط به وزارت نفت است و تعهدات رسمی... تعهدات بانک مرکزی... از ۲۱ میلیارد دلار تجاوز نمی کند." سخنان نوربخش، بررغم تکذیب ۸۰ میلیارد دلار بدهی، به نحوی آشکار تایید سخنان برادر رفسنجانی بود. به هر جهت تأکید به روی این مساله و افشاکاری در باره اینکه در دولت محمد خاتمی ۸۰ میلیارد دلار بدهی برای کشور ایجاد شده است، در شرایط کنونی با هدف معین و دقیق مطرح می گردد و باید تصریح کرد که، این اقدام بخشی از برنامه جامعی است که از مدت ها قبل رفسنجانی و گروه کارگزاران آن را تدوین و به مرحله اجرا در آورده اند. از ابتدای سال جاری، رفسنجانی با توسل به انواع ترندها کوشیده تا نقش و جایگاه ویژه خود را در هرم حکومتی حفظ کرده و ارتقاء دهد. تحرک باند کارگزاران نیز دقیقاً در این چارچوب قابل ارزیابی است!

در اواسط خرداد ماه سال جاری، در جریان انتخابات سومین سال هیات رئیسه ششمین دوره مجلس شورای اسلامی، گروه کارگزاران دست به مانور و بند بازی میان جناح بندی های حکومتی زد. حسین مرعشی، از چهره های اصلی این گروه و از خویشتانندان نزدیک رفسنجانی، همان زمان در پاسخ به پرسش خبرنگار ایرنا مبنی بر وجود ائتلاف ضمنی بین کارگزاران و اقلیت مجلس (هواداران ذوب در ولایت) برای انتخابات تصدی کرسی نایب رئیس مجلس، با کنایه پر معنایی گفت: "این ائتلاف نبود، یک شوخی پارلمانی بود. ممکن است این شوخی پارلمانی روزی در مقابل مهدی کروبی رئیس مجلس نیز تکرار شود ...!"

این حرکت نشان می داد که، کارگزاران سازندگی با اشاره رفسنجانی برنامه های مشخصی را در صحنه سیاسی کشور تدارک دیده اند و خود را برای آینده آماده می کنند. کمی قبل از این حرکت حساب شده در مجلس، یکی از اعضای فراکسیون مشارکت به روزنامه انتخاب گفته بود که؛ پیوند کارگزاران با جناح هوادار خاتمی مصلحتی است، زیرا یک پای آنها در این سو قرار دارد و پای دیگر در سوی دیگر!

به موازات تحرک گروه کارگزاران، شخص هاشمی رفسنجانی نیز با توسل به انواع شیوه ها و شگردها، دست به قدرت نمایی زده و در زمینه های داخلی و خارجی اقدامات متعددی را انجام داده است. این اقدامات از زد و بندهای گوناگون با جناح بندی های حکومتی گرفته تا گشودن باب مذاکرات پنهانی با آمریکایی ها را در بر می گیرد و گویای اهداف بلند مدت این کهنه کارگزار ارتجاع است. از جمله اینکه به موازات زد و بند با برخی چهره های به اصطلاح اصلاح طلب، باب روابط گرم و صمیمانه با جمعیت موفقه اسلامی را برقرار کرد. وی در این خصوص دیدارهای متعددی با سران این جریان ارتجاعی و ضد ملی برگزار کرد. از جمله اینکه برای نشان دادن درجه نزدیکی، بصورت نهادین در اواخر خرداد ماه در جلسه بزرگداشت عده ای از افراد این جمعیت که در جریان جنگ کشته شدند، ضمن تقدیر از این سازمان سیاسی و رهبر آنان، عسگر اولادی، اعلام کرد: "باید برخی جریان های داخلی که سعی در ترویج اندیشه های سکولاریستی و تضعیف افکار اسلامی و اعتقادات دینی در جوانان را دارند مورد انتقاد قرار داد." وی ادامه داد: "هیچ مبنا و اندیشه ای در ایران به اندازه اندیشه دینی و تفکر ولایی (ولایت فقیه) دارای قدرت نیست و اندیشه های ملی گرایی، مارکسیستی و سکولاریستی فاقد پایگاه اجتماعی هستند."

در همین زمینه، رفسنجانی به مناسبت های گوناگون هواداران مذاکره با آمریکا در طیف مقابل حکومتی را به باد حمله می گرفت و با جملاتی نظیر "مخالفت با استکبار جهانی وظیفه ماست". و در جریان بزرگداشت "شهدای هفتم تیر" طی سخنانی گفت: "به استکبار نباید اعتماد کرد، امروز می بینیم چه امواج تندی علیه انقلاب، روحانیت و نیروهای وفادار به انقلاب به راه انداخته اند ... دل خوش کردن به وعده ها و تحلیل های استکبار از اشتباهات مهم امروز بخشی از نیروهای فریب خورده داخلی است ..."

اما در عین حال، آشکار و پنهان در صدد تماس های گوناگون با مقامات آمریکایی از طرق مختلف از جمله از کانال مدیران انحصارهای فراملی بر می آید.

درست به دنبال چنین مواضعی است که، مساله افتتاح دفاتر مجمع تشخیص مصلحت نظام در کشورهای خارجی و نیز تعیین محسن هاشمی، فرزند رفسنجانی به عنوان سفیر جمهوری اسلامی در آلمان پیش کشیده می شود. گرچه هر دوی این طرح ها عملی نشد و رفسنجانی و کارگزاران قدمی به عقب گذاشتند ولی برنامه خود را با همان قوت قبلی ادامه دادند. این بار، کارگزاران و رفسنجانی به طرق مختلف سعی در تقویت حزب نوظهور همبستگی کوشیدند، تقویت روزنامه اعتماد و تعیین دبیر کل برای این جریان در جهت آماج های مشخصی انجام شد. این تلاش در راستای دست یابی به آرایش سیاسی جدید در درون جناح بندی های حکومتی صورت گرفته و می گیرد. کارگزاران با اشاره مستقیم رفسنجانی در سمت ژرفش شکاف در جبهه موسوم به دوم خرداد و ایجاد سر در گمی و انشقاق در این جبهه حرکت می کنند، و در این زمینه ضمن حفظ جایگاه خود در طیف گروه های دوم خرداد، فاصله ای را نیز در جهت نزدیکی با مدافعان ذوب در ولایت برای خود ایجاد می کنند.

پیرامون این مساله شمس الواعظین که خود از مخالفان برخوردار و مقابله و افشاء رفسنجانی در جریان انتخابات ششمین دوره مجلس بوده و همواره از رفسنجانی به عنوان چهره شاخص یاد می کند، در اواخر اردیبهشت ماه در مقاله ای یاد آور شد: "کارگزاران به یک معنا از جبهه دوم خرداد فاصله می گیرند تا از وضعیت ریزش نیروهای آن برای مرحله آتی بهره گیری کند."

در ادامه استراتژی فوق، و به دنبال اقدامات مورد اشاره در سطور پیشین این بار عطاءالله مهاجرانی از اعضای موسس کارگزاران به جلو صحنه رانده می شود. در نخستین گام، مهاجرانی طی گفتگویی با ایستنا در اوایل مرداد ماه با تأکید بر حضور کارگزاران به عنوان یک جریان موثر در میان جناح بندی های حکومتی، خاطر نشان می سازد: "کارگزاران هوشمندانه تصمیم گرفتند که فعال نباشند، این غیر از به خواب رفتگی و منفعل بودن است. مهاجرانی با حضور دوباره در صحنه، ظاهری "روشنفکر مآبانه" و "دمکرات" به خود گرفته و از مقام یک "روشنفکر" مدافع اصلاحات و معتقد به نظام حرکت می کند. پس از این در ۹ شهریور ماه، در محل کانون توحید در لندن، طی سخنرانی بی می گوید: "ما در مدار اصلاحات خواهان اجرای اصول ناتمام قانون اساسی هستیم." و سپس ادامه می دهد: "کارگزاران خود را در جمع جبهه اصلاحات می دانند. منتهی در این زمینه یک ملاحظه جدی دارند و آن انتقاد از خط سیاسی برخی از اصلاح طلبان در تصمیم آنان مبنی بر تخریب چهره آقای هاشمی رفسنجانی است ... هاشمی رفسنجانی از شخصیت های درجه یک، موثر و دلسوز نظام و انقلاب است که زحمات زیادی را برای سازندگی و آبادانی کشور متحمل شده و هنوز در این عرصه فعال است." مهاجرانی در پایان با صراحت و بی پرده زندگی

حمایت جهانی از ابتکار صلح جویانه حزب توده ایران بیانیه مشترک احزاب کمونیست جهان در مخالفت با جنگ و ترور!

محکوم می کنیم .
ما از مبارزه خلق ها برای دموکراسی ، حقوق بشر و عدالت اجتماعی در تمامی کشورهای منطقه و از جمله ایران -عراق -ترکیه -اسرائیل -افغانستان -پاکستان و دیگران حمایت می کنیم .
جنبش صلح جهانی و مبارزه برای حقوق بشر و دموکراسی و برضد اشغال و ترور جدایی ناپذیرند ، ما حامیان صلح و جنبش خلق ها هستیم .

حزب توده ایران
حزب کمونیست عراق
حزب کمونیست آمریکا
حزب مردم فلسطین
حزب کمونیست اسرائیل
حزب کمونیست انگلیس
حزب کمونیست آفریقای جنوبی
حزب کمونیست بوهم و موراوی (جمهوری چک)
حزب کمونیست هند
حزب کمونیست فرانسه
حزب کمونیست یونان
حزب کمونیست شیلی
حزب کمونیست کانادا
حزب کمونیست استرالیا
حزب کمونیست نوین هلند
حزب دموکراسی و سوسیالیسم الجزایر
حزب ترقی و سوسیالیسم مراکش
حزب کمونیست پرو
جنبش چپ نوین پرو
حزب کمونیست های مکزیک
حزب کمونیست اتریش
حزب کمونیست بلژیک
حزب زحمتکشان ترقی قبرس (اکل)
حزب سوسیالیسم دموکراتیک آلمان
حزب کمونیست ایرلند
حزب کمونیست اسپانیا
حزب کمونیست های ایتالیا
حزب کمونیست دانمارک
حزب کارگران ایرلند
حزب کمونیست کاتالونیا

با توجه به شرایط شدیداً متحول خاورمیانه و خطر حمله نظامی آمریکا به عراق و تبعات نگران کننده آن برای صلح در منطقه در هفته های اخیر رهبری حزب توده ایران تبادل نظر وسیعی را با احزاب برادر سازمان داد . از جمله نتایج این همفکری ها اتخاذ بیانیه مشترکی است که رهبری احزاب کمونیست از پنج قاره جهان آن را مورد تأیید قرار دادند . در پیام هایی که در روز های اخیر از طرف هیئت های رهبری حزب کمونیست آفریقای جنوبی ، حزب کمونیست آمریکا ، حزب مردم فلسطین و حزب کمونیست موراوی و بوهم (جمهوری چک) در رابطه با این بیانیه خطاب به حزب توده ایران صادر شد ، قدردانی آنان از فعالیت هدفمند ، ضروری و موثر حزب مان و اهمیت عملی چنین ابتکاراتی در تبلور مواضع روشن و متحد جنبش کمونیستی در جهان مورد تأکید قرار گرفت . بیانیه زیر در وسعت فراوان از طریق مطبوعات احزاب برادر و شبکه جهانی اینترنت به اطلاع افکار عمومی جهان رسید .

در دفاع از صلح ، دموکراسی و عدالت اجتماعی در خاور میانه

ما احزاب کمونیست-کارگری امضاء کننده این بیانیه ، نگرانی عمیق خود را در مورد وضعیت بحرانی در خاور میانه و خطر يك برخورد نظامی که بدون شک تمامی منطقه را بی ثبات خواهد کرد ، ابراز می داریم . استقرار تعداد وسیعی از نیروهای آمریکایی ، بیانیه های تحریک آمیز و برتری طلبانه دولت بوش و تهدید به استفاده از نیروی نظامی برای تغییر نقشه سیاسی منطقه ، صلح را به خطر انداخته است .
ما سرسخت تر شدن موضع دولت اسرائیل در رابطه با مساله فلسطین و عملکرد جنایت کارانه دولت شارون در سرکوب خشن جنبش برحق مردم فلسطین در طلب حقوق ملی و خودگردانی را تقبیح می کنیم .
ماسرستانه مخالف تهدیدات ایالات متحده به شروع يك برخورد نظامی با عراق یا هر کشور دیگری در جهان به هر بهانه یی هستیم .
ما خواهان اقطع فوری تمامی تحریکات ، سیاست ها و عملکرد هایی هستیم که تهدید به آغاز يك برخورد نظامی در خاور میانه می کند . ما همه دولت ها را فرا می خوانیم که قطعنامه های سازمان ملل متحد را به اجرا بگذارند و دقیقاً مفاد منشور سازمان ملل را محترم بشمارند .
مامعتقدیم که ایده آل های صلح ، دموکراسی ، حقوق بشر و عدالت اجتماعی به طور ذاتی با هم ارتباط دارند . ما از مبارزه مردم فلسطین برای حقوق ملی شان حمایت می کنیم . ما به طور یکسان استفاده از ترور را توسط دولت ها و اشخاص

حضور حزب توده ایران در جشن نهمین سالگرد نشریه "صدای مردم" وابسته به حزب کمونیست کانادا



برای عراق و منطقه خاورمیانه در مجموع خود می تواند داشته باشد ، برشمرد . اعضاء و هواداران حزب توده ایران با پخش نشریه انگلیسی زبان (Tudeh News) و شرکت در بحث های افشاگرانه ، به روشنگری علیه رژیم ولایت فقیه و توطئه های ارتجاع حاکم علیه جنبش اصلاحات پرداختند . حاضرین در مراسم عموماً حساسیت و علاقه خاصی نسبت به اوضاع و تحولات ایران و خاورمیانه نشان می دادند و همبستگی خود را با مردم ایران و منطقه در مبارزه شان علیه رژیم ارتجاعی ولایت فقیه و امپریالیسم اعلام می داشتند .

جشن نهمین سالگرد نشریه "صدای مردم" (Peoples Voice) وابسته به حزب کمونیست کانادا در روز شنبه ۳۰ شهریور (۲۱ سپتامبر) در یکی از پارک های شهر تورنتو برگزار گردید . در این مراسم تنی چند از گروه کثیری از نمایندگان سازمان ها و فعالین جنبش های دموکراتیک کانادا به سخنرانی و اجرای نمایش های هنری پرداختند . نماینده سازمان "اتحاد برای دفاع از خدمات درمانی -انتاریو" به تشریح فعالیت های این سازمان در استان انتاریو برای جلوگیری از خصوصی سازی وبالا بردن آگاهی مردم در رابطه با نقشه های راستگرایان برای از بین بردن خدمات درمانی رایگان در این استان پرداخت . همچنین نماینده سازمان "اتحاد والدین" که برضد کاهش و قطع بودجه سیستم آموزشی و مدارس انتاریو مبارزه می کند ، سخنرانی کوتاهی ایراد کرد . او در سخنرانی خود به وضع اسفبار آموزش و پرورش در استان انتاریو اشاره کرد و اثرات مخربی را که کاهش ۹۰ میلیون دلاری از بودجه آموزشی شهر تورنتو در پی خواهد داشت ، برشمرد . در این مراسم همچنین اعضاء و هواداران تعدادی از احزاب برادر از جمله حزب کمونیست عراق و حزب توده ایران شرکت داشتند . نماینده حزب کمونیست عراق در سخنرانی خود نقشه های آمریکا برای حمله نظامی به عراق را محکوم کرد و اثرات فاجعه باری را که این حمله نظامی

سیاست "تغییر رژیم" بخشی از طرح کسب هژمونی جهانی امپریالیسم آمریکا

❖ "ضرورت اعمال رهبری سیاسی آمریکا بر ماموریت های حافظ صلح را به عنوان جایگزینی برای رهبری سازمان ملل" مورد تأکید قرار می دهد.

❖ نگرانی محافل حاکمه آمریکا را از رقابت اتحادیه اروپا با این کشور فاش می کند.

❖ اظهار می دارد که "حتی اگر صدام از صحنه بیرون برود"، پایگاه های آمریکایی در عربستان سعودی و کویت بر رغم مخالفت داخلی در این کشورها با استقرار نیروهای آمریکایی، بطور دائمی باقی خواهند ماند، زیرا "ممکن است که ثابت شود که ایران تهدیدی همتر از عراق برای منافع ایالات متحده می باشد."

❖ چین را به عنوان کشوری که باید مورد "تغییر رژیم" قرار گیرد، مورد توجه قرار می دهد و می گوید "زمان آن فرا رسیده است که حضور نیروهای آمریکایی در جنوب شرق آسیا افزایش یابد." گزارش مطرح می کند که این امر ممکنست که منجر بشود که "قدرت آمریکا و متحدان آن حکم مهمیزی را در جهت شتاب دادن روند دموکراتیزاسیون در چین ایفاء کند."

❖ خواستار ایجاد "نیروهای فضایی آمریکا" برای تسلط در فضا، و کنترل کامل سایبراسپیس به منظور جلوگیری از استفاده "دشمنان" از اینترنت برضد آمریکا است و اشاره می کند که بر رغم تهدید جنگ برضد عراق به دلیل توسعه سلاح های کشتار دسته جمعی، آمریکا ممکنست توسعه سلاح های بیولوژیک در دهه های آتی را در پیش بگیرد. گزارش می گوید: "شیوه های جدید حمله- الکترونیک، "غیر مهلک"، بیولوژیک- بطور وسیعتری در دسترس خواهند بود. . . جنگ ممکنست در ابعاد جدیدی در فضا، سایبراسپیس و احتمالاً در جهان میکروب ها صورت پذیرد. . . اشکال پیشرفته جنگ بیولوژیک که می تواند موجودات با نوع ژن های ویژه ای را "هدف" قرار دهد ممکنست که جنگ بیولوژیک را از حیطة ترور خارج کرده و به یک وسیله مفید سیاسی تبدیل کند."

❖ کره شمالی، لیبی، سوریه و ایران به مثابه رژیم های خطرناک معرفی می شوند و می گوید که وجود آن ها ایجاد "یک سیستم فرماندهی و کنترل در مقیاس جهان" را توجیه می کند.

افشای این سند این دروغ را که سیاست های دو ساله اخیر امپریالیسم آمریکا در پاسخ به تروریسم و یا عملکرد تحریک آمیز دولت هایی نظیر عراق، کره شمالی و یا ایران می باشد اثبات می کند. تهدید به تحمیل جنگ بر عراق بخشی مهم از این استراتژی اهریمنی می باشد که همه نیروهای ترفی خواه باید با آن به مبارزه برخیزند.

روزنامه آمریکایی ساندی هرالده، در روز ۲۶ شهریور ماه (۱۷ سپتامبر) افشای کرد که بوش در سپتامبر سال ۲۰۰۰ یعنی قبل از انتخابش به عنوان رئیس جمهور آمریکا برنامه تغییر رژیم در عراق را طراحی کرده بود. سیاستمداران راست افراطی هوادار بوش تغییر رژیم در عراق را به مثابه طرح اولیه ای برای اتخاذ سیاست های مشابهی در قبال ایران، سوریه، لیبی و چین مطرح کرده اند.

آمریکا قصد دارد که کنترل نظامی منطقه خلیج فارس را صرف نظر از اینکه آیا صدام حسین در قدرت است و یا نه بدست بگیرد.

این طرح سری که هدف آن کسب تسلط آمریکا بر جهان است، فاش می کند که بوش و کابینه او حتی قبل از اینکه او در ژانویه ۲۰۰۱ در کاخ سفید مستقر شود، برای یک حمله از قبل تدارک دیده شده به قصد تغییر رژیم در عراق برنامه ریزی کرده بودند.

بر طبق اسناد غیر قابل انکار، این طرح اولیه برای ایجاد یک امپراطوری جهانی با ثبات تحت کنترل آمریکا که جزئیات آن در ساندی هرالده فاش شد توسط دیک چینی (معاون رئیس جمهور)، دونالد رامسفیلد (وزیر دفاع)، پل ولفوویتز (معاون رامسفیلد)، جب بوش برادر جواتر رئیس جمهور و لوئیس لیبی (رئیس دفتر چینی) برنامه ریزی شده بود. سند اصلی این برنامه تحت عنوان باز سازی دفاع آمریکا: استراتژی ها، نیروها و منابع برای قرن جدید، در سپتامبر سال ۲۰۰۰ توسط سازمان تحقیقاتی دست راستی پروژه برای قرن جدید آمریکایی نوشته شده است.

سند متذکر می شود: "ایالات متحده برای دهه ها سعی کرده است که نقش دائمی تری را در امنیت منطقه خلیج فارس بازی کنند. گرچه درگیری حل نشده (unresolved) با عراق توجیهی در شرایط کنونی را فراهم می کند، نیاز برای حضور یک نیروی نظامی آمریکایی قابل توجه در خلیج بسیار ارجحتر از مساله رژیم صدام حسین می باشد."

سند تهیه شده توسط پروژه برای قرن جدید آمریکایی از یک "طرح اولیه برای حفظ برتری جهانی ایالات متحده، پیشگیری از ظهور یک قدرت جهانی رقیب، و شکل دادن یک نظم امنیتی بین المللی که با اصول و منافع آمریکایی همخوانی داشته باشد، حمایت می کند." گزارش می نویسد: "این استراتژی عمده آمریکا باید تا آنجا که ممکن است برای آینده طولانی تری پیشبرده شود." گزارش همچنین خواستار آن است که "ایالات متحده به مثابه یک ماموریت محوری، شرکت و پیروزی تعیین کننده و قاطع در چندین جنگ عمده و همزمان را مد نظر قرار دهد." این گزارش مستند نیروهای نظامی آمریکا در خارج از این کشور را به مثابه "پیشقراولان در مرزهای جدید آمریکا" معرفی می کند. طرح اولیه مذکور هم خوان با سند دیگری می باشد که توسط ولفوویتز و لیبی نوشته شده بود و مطرح می کرد که "آمریکا باید کشور های صنعتی پیشرفته را از به چالش طلبیدن رهبری آن و یا حتی در هوای ایفاء نقش بزرگتر منطقه ای و یا جهانی بودن، بازبدارد."

این سند سری که پوشش تبلیغاتی محور های سیاست خارجی آمریکا را از هم می برد، و در ضمن:

❖ به متحدان کلیدی آمریکا نظیر انگلستان به مثابه "موثرترین و کاراترین ابزار برای اعمال رهبری بر جهان اشاره می کند."

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Nameh Mardom-NO 644
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

1st October 2002

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V.

790020580

10050000

Berliner Sparkasse

نام

شماره حساب

کد بانک

بانک